

Journal iranian political sociology
Vol. ۴, No ۴, winter ۲۰۲۱

Islamic Regimes Agents Responsibilities and their characteristics in Ahlul-Beyt (AS) jurisprudence
This suspicion and concern has always been raised in the minds of Muslims, especially those who
adhere to the tradition of the Ahl al-Bayt (AS) that the Messenger of God (PBUH) in the prophetic
system and Imam Ali (AS) in the Alawite system and in the time of other pure Imams, duties,
responsibilities And duties, principles and rules on the behavior of the agents (rulers) of the Islamic
system in managing the affairs of Muslims and in interaction with the people, and in order to create
justice and growth and all-round development of society and avoid aristocratic life and avoid
temperament. Arrogant character and avoidance of ethnic, racial and class thinking, exaltation and
promotion and movement in the path of spiritual perfection and spiritual excellence of human beings
and attention to the vision and insight of people and caring for the deprived and oppressed classes
and the progress of material life and closeness

تکالیف کارگزاران نظام اسلامی و شاخص‌های آنان در فقه اهل‌البیت (ع)

جلیل البوغیش^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۲۰

سید حسام‌الدین حسینی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۱۴

حسن حیدری^۳

چکیده:

همواره این شبهه و دغدغه در اذهان مسلمانان بالأخص متمسکین به سیره و سنت اهل‌البیت (ع) مطرح بوده است که رسول‌الله (ص) در نظام نبوی و حضرت علی (ع) در نظام علوی و در زمان سایر ائمه اطهار (ع)، تکالیف، مسئولیت‌ها و وظایف، و اصولاً به لحاظ جامعه‌شناسی سیاسی، اصول و قواعدی بر رفتار کارگزاران (حاکمان) نظام اسلامی در اداره امور اجتماعی سیاسی مسلمانان و در تعامل با مردم، و در راستای ایجاد عدالت و رشد و نمو و تکامل همه‌جانبه جامعه و پرهیز از زندگی اشرافی‌گری و اجتناب از خوی و منش مستکبرانه و دوری از تفکر قومی، نژادی و طبقاتی، اعتلاء و ارتقاء و حرکت در مسیر کمال و تعالی معنوی انسان‌ها و توجه به بینش و بصیرت مردم و رسیدگی به طبقات محروم و مستضعف و پیشرفت زندگی مادی و تقرب بندگان به خدای خود، اوامر و نواهی، توصیه‌ها و رهنمودهایی داشته‌اند؟ مسلماً با نگاهی عالمانه و حکیمانه در حیات علمی و عملی، اجتماعی و سیاسی پیامبر اکرم (ص) و عترت طاهرینش و تمرکز در فقه اهل‌البیت (ع) خواهیم یافت معصومان تکالیف کارگزاران و شیوه و روش و نحوه عملکرد متولیان امر حکومت در نظام اسلامی را بطور گسترده تبیین نموده که اوج این روند را در دوران نبی اکرم (ص) و امام علی (ع) بیشتر از اعصار دیگر قابل مشاهده، تجلی و تبلور دارد. در این پژوهش به برخی از ابعاد موضوع تحقیق با بیان سیره و سنت و اوامر و نواهی و شیوه تعاملات معصومان و بیان بعضی از تکالیف و شاخص‌های عمده کارگزاران در جامعه سیاسی، شایسته نظام اسلامی در فقه اهل‌البیت (ع) می‌پردازیم.

واژه‌های کلیدی:

تکالیف، کارگزاران، نظام اسلامی، حکومت، فقه، اهل‌البیت (ع)

دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران.

استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران.

استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران.

استقرار نظام اسلامی (دینی) در وطن عزیزمان توقعاتی در نظر و اندیشه امت اسلامی ایران ایجاد نمود، مردم بپا خواسته و انقلابی انتظار داشتند که کارگزاران پس از پیروزی انقلاب اسلامی، اشخاصی باتقوا و جدای از مطالبات و مصالح فردی باشند و حاکمیت را فرصتی برای خدمت به مردم بدانند، پرداختن به این موضوع به آن معنا نیست که منکر وجود کارگزاران متقی، متعهد، متعبد، ایثارگر و پاک‌باخته و ولایتمدار و کثرت آنان در نظام اسلامی باشیم، در این جهت حضرت امام خمینی (ره) و امام خامنه‌ای رهبر معظم و فرزانه انقلاب، مرتباً و علی‌الدوام توصیه‌ها و تذکرات به کارگزاران نظام داشته‌اند تا صاحب‌منصبان حکومتی در عرصه‌های گوناگون از راه ترسیم شده در قرآن و فقه اهل‌البیت (ع) و قانون اساسی که همانا مسیر صحیح خدمتگزاری است، تخطی و منحرف نشده و تا اسیر و گرفتار مال‌اندوزی و دنیاخواهی و قدرت‌طلبی و نفس‌پرستی و اشرافی‌گری نشوند.

تمرکز و دقت و کندوکاو در نظام نبوی و علوی و سیره و سنت معصومان به این اصل می‌رسیم که مستمراً موضوع ما نحن فیه را با حساسیتی خاص و فراوان و در مقاطع مختلف دوران حکومت، مرتباً امر و نهی، تذکر، نکوهش، رهنمود به کارگزاران را از صلب العین خود قرار داده که در این راستا فرازهایی از توصیه‌های حضرت علی (ع) به مالک اشتر حضورتان ارائه می‌گردد:

«مهربانی و محبت و لطف به رعیت را شعار قلب خود قرار ده، بر رعیت همچون حیوان درنده مباش که خوردن آن را غنیمت دانی، که رعیت بر دو گروه‌اند: یا برادر دینی هستند، یا انسان‌هایی مانند تو، پس اگر گناهی از آنان سر میزند یا مشکلاتی بر آنان عارض می‌گردد، یا خواسته و ناخواسته، اشتباهی مرتکب می‌شوند، آنان را ببخشای و بر آنها آسان‌گیر، آن‌گونه که دوست داری خدا تو را ببخشد و بر تو آسان گیرد؛ چراکه تو از نظر قدرت برتر از آنانی، و آن‌که بر تو ولایت دارد بالاتر از تو می‌باشد، و خداوند برتر از آن کسی که تو را والی مصر نموده. خداوند کفایت امور رعیت را از تو خواسته، و به خاطر آنان تو را در عرصه آزمایش قرار داده.

خود را در موقف جنگ با خدا قرار مده، که تو را تحمل کيفر او نیست، و از عفو و رحمتش بی‌نیاز نمی‌باشی. از گذشتی که از مردم کرده‌ای پشیمان مشو، و بر کيفری که داده‌ای شاد مباش، و به خشمی که راه بیرون رفتن از آن وجود دارد شتاب مکن، و فریاد مزین که من بر شما گمارده شده‌ام، فرمان می‌دهم باید اطاعت شوم؛ که این وضع موجب فساد دل، و کاهش و ضعف دین، و باعث نزدیک شدن زوال قدرت است.

... خدا و مردم را از جانب خود و خواص از خاندانت و کسانی از رعیت که به او علاقه داری از صاف ده، که اگر از صاف ندهی ستم کرده‌ای، و هر که به بندگان خدا ستم کند خداوند به جای بندگان ستم‌دیده خصم او می‌باشد، و هر که خداوند خصم او باشد عذرش را باطل کند، و شخص ستمکار محارب با خداست تا وقتی که از آن منصب عزل شود و یا توبه کند. چیزی در تغییر نعمت خدا، و سرعت دادن به عقوبت او، قوی‌تر از ستمکاری نیست، که خداوند شنوای دعای ستم‌دیدگان، و در کمین ستمکاران است.

بنا بر این محبوب‌ترین امور نزد تو میلنه‌ترینش در حق، و همگانی‌ترینش در عدالت، و جامع‌ترینش در خشنودی رعیت باشد، چراکه خشم عموم، خشنودی خواص را بی‌نتیجه می‌کند، و خشم خواص در برابر خشنودی عموم، قابل عفو است.^۱ در اندیشه اسلامی، ریاست بر مردم به‌عنوان یک تکلیف سنگین و خطیر محسوب می‌شود، برخلاف فرهنگ غیردینی، که ریاست را فرصتی برای سریع‌تر رسیدن به هواهای نفسانی و بهره‌مندی هر چه بیشتر از قدرت و ثروت می‌دانند. پیامبر گرامی

^۱ سید رضی، نهج البلاغه، صبحی صالح، نامه ۵۳، ص ۴۲۷-۴۲۹

اسلام (ص) نیز در کلامی شیوا، این نکته را بیان فرموده‌اند که: «سَيِّدُ الْقَوْمِ خَادِمُهُمْ» (رئیس و آقای هر قوم، خدمتگزار آن‌ها می‌باشد).

سه رکن اصلی در هر حکومت، ایدئولوژی ساختاری، مسئولین و مردم هستند و طبیعتاً مسئولین و کارگزاران در هر حکومت، اجراکننده‌ی قوانین بوده و رابطه‌ی میان مردم با ایدئولوژی‌های ساختاری و اصلی در آن حکومت می‌باشند، بنابراین در کشور ما که حکومتی بر اساس ایدئولوژی اسلامی تشکیل شده، کارگزاران نیز واسطه‌ای میان توده مردم با اندیشه حکومت اسلامی شده‌اند و در مقام عمل آن را به اجرا درمی‌آورند، پس در صورت موفقیت آن‌ها، اسلام در نظر مردم بزرگ جلوه کرده و در صورت عدم موفقیت و یا ضعف جدی در آنان، چهره‌ی اسلام دچار ضعف و نقص خواهد شد.

در این پژوهش به بُعد تبیین برخی از تکالیف و شاخص‌های کارگزاران نظام اسلامی در فقه اهل‌البیت (ع) پرداخته‌ایم که امیدواریم راضی مرضاء خداوند سبحان و معصومین سلام الله علیه اجمعین قرار گیرد.

(وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ وَتَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ)^۱

^۱ شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۷۸

^۲ - هود: ۸۸

با عنایت به آیات و احادیث تفصیلی در این زمینه و بهره بردن از شیوه عملی رسول خدا (ص) و امیرالمؤمنین علی (ع)، به نکات و تکالیف متعددی برای کارگزاران در حکومت اسلامی نسبت به مردم دست می‌یابیم که برر سی تمام آن‌ها در این مجال نمی‌گنجد، از این رو تنها به ذکر برخی تکالیف مهم‌تر و حساس‌تر اکتفا می‌کنیم.

۱- اجتناب از فخر فروشی و خودپسندی

یکی از صفات ناپسند اخلاقی، که در مورد کارگزاران حکومتی به صورت ویژه و خاص، ناشایست می‌باشد، تکبر و غرور است. در کلامی مشهور از امیرالمؤمنین (ع) آمده: «أَفَةُ الرَّئِيسَةِ الْفَخْرُ»^۱ (آفت ریاست، فخر است).

در نگاه عموم مردم، کارگزاران در هر حکومت، قشری فرهیخته و الگو برای جامعه بوده و افرادی والا اندیش هستند. بدیهی می‌باشد که چنین انسان‌هایی نباید اهل تکبر باشند، بلکه می‌بایست همواره شکوه و بزرگی خداوند را در نظر داشته و خود را در محضر او ببینند و سیره پیشوایان معصوم (ع) را سرلوحه کار خویش قرار دهند.

نامه امام علی (ع) به مالک اشتر، یکی از الگوهای بسیار آموزنده در این زمینه می‌باشد. حضرت در بخشی از این نامه می‌فرماید: «إِيَّاكَ وَمَسَامَاةَ اللَّهِ فِي عَظَمَتِهِ وَالتَّشْبِهَ بِهِ فِي جَبْرُوتِهِ فَإِنَّ اللَّهَ يُدِلُّ كُلَّ جَبَّارٍ وَيُهِينُ كُلَّ مُخْتَالٍ»^۲.

مضمون توصیه ایشان آن است که اگر قدرتی که از آن برخوردار، نخوتی در تو پدید آورد و خود را بزرگ بشمرد، بزرگی حکومت پروردگار را که برتر از توست بنگر، و قدرتی را که بر تو دارد بنگر و حال آنکه تو چنین قدرتی را بر خود نداری؛ که چنین نگرستن، سرکشی تو را می‌خواهد و تیزی تو را فرومی‌نشانند و خرد رفته‌ات را به جای بازمی‌گرداند.

۲- مهربانی، نرم‌خویی، محبت و گشاده‌رویی

مردم از کارگزاران انتظار دارند که در بعد اخلاقی - عاطفی و رفتارهای انسانی و برخوردهای اجتماعی، سیاسی در جامعه سر آمد باشند.

امیرالمؤمنین (ع) در توصیه‌ای خطاب به محمد بن ابی بکر، والی ایشان در مصر می‌فرماید: «فَاخْفِضْ لَهُمْ جَنَاحَكَ وَالِنْ لَهُمْ جَانِبَكَ وَابْسُطْ لَهُمْ وَجْهَكَ»^۳.

در برخورد با مردم، رفتاری از روی فروتنی، نرم‌خویی و مهربانی داشته، و با آنان گشاده‌رو و خندان باش.

گشاده‌رویی از جمله عواملی است که می‌تواند مانع از دگرگونی حال کارگزار، بعد از به قدرت رسیدن باشد و اینکه قدرت و مسئولیت‌های جدید، او را از حالت قبلی که با مردم نشست و برخاست می‌کرد و با آن‌ها نزدیک بود، خارج نکند. کارگزار باید مراقب باشد تا به گونه‌ای رفتار کند که پس از به قدرت رسیدن، حتی به مردم نزدیک‌تر شود.

مولای متقیان علی (ع) در همین زمینه می‌فرماید: «فَإِنَّ حَقًّا عَلَى الْوَالِي أَلَّا يُغَيِّرَهُ عَلَى رَعِيَّتِهِ فَضُلٌّ نَالُهُ وَلَا طَوْلٌ خُصَّ بِهِ وَ أَنْ يَزِيدَهُ مَا قَسَمَ اللَّهُ لَهُ مِنْ نِعْمَةٍ دُنُوًّا مِنْ عِبَادِهِ وَعَظْفًا عَلَى إِخْوَانِهِ»^۴.

یکی از وظایف والی آن است که مقام و نعمت مخصوصی که به او رسیده، حال وی را نسبت به مردم تغییر ندهد، بلکه نعمت الهی، او را به بندگان خداوند نزدیک‌تر و نسبت به برادران (دینی‌اش) مهربان‌تر کند.

۳- استماع مطالبات مردم بدون خوف آنان

^۱ عبد الواحد بن محمد تمیمی، غررالحکم و درر الکلم، ص ۲۷۹

^۲ ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۱۲۷

^۳ ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۱۷۷

^۴ سید رضی، نهج البلاغه، صبحی صالح، نامه ۵۳، ص ۴۲۴

در فقه اهل البیت (ع)، مقدمات تحقق عدالت اجتماعی زمانی فراهم می‌گردد که مردم و مسئولین به حقوق و وظایف متقابل خود آشنا باشند و بر همین اساس نسبت به یکدیگر خیرخواهی و نصیحت را فراموش ننمایند. بر همین اساس، نقد دینی و پذیرش آن، از ارکان حکومت‌های الهی بر شمرده می‌شود. اما حکومت‌های غیردینی، اگرچه که استبداد خود را در زیر نقاب دموکراسی پنهان می‌نمایند، اما در واقع حقوق و وظایف مردم و مسئولین را به صورت یک‌طرفه و به نفع قدرتمندان و ثروتمندان تعریف می‌نمایند.

امیرالمؤمنین (ع) در این زمینه نیز توصیه می‌فرماید: «وَاجْعَلْ لِدَوَى الْحَاجَاتِ مِنْكَ قَسْمًا تُفَرِّغُ لَهُمْ فِيهِ شَخْصَكَ وَتَجْلِسُ لَهُمْ مَجْلًا سَاءَ عَامًا فَتَتَوَّأَ ضَعْفُ فِيهِ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَكَ وَتُقْعَدُ عَنْهُمْ جُنْدَكَ وَأَعْوَانَكَ مِنْ أَحْرًا سِكَ وَ شَرَطَكَ حَتَّى يُكَلِّمَكَ مُتَكَلِّمَهُمْ غَيْرَ مُسْتَعِنٍّ»^۱

پاره‌ای از وقت خویش را برای آنان که با تو سخنی دارند، قرار بده و در یک مجلس عمومی، به حرف‌های آنان گوش فراده. سپس در آن مجلس برای (رضای) خداوندی که تو را خلق کرده، فروتن باش و لشکریان و نیروهای نظامی و انتظامی و محافظان شخصی‌ات را از آنان دور کن تا آنان که با تو سخنی دارند، بدون هیچ ترس و نگرانی و لکنت زبان، با تو سخن بگویند.

۴- تربیت دینی، فرهنگی و اخلاقی مردم

از مهم‌ترین وظایف کارگزاران در قبال مردم، اهتمام جدی به امور فرهنگی جامعه و آموزش مسئولان دینی به جوانان و عموم مسلمانان می‌باشد تا زمینه‌ی رشد فکری و اخلاقی در میان مردم هرچه بیشتر فراهم گردد. چه بسا می‌توان گفت که این وظیفه در دولت‌های اسلامی، مهم‌تر و والاتر از رسیدگی به امور معیشتی مردم است و حتی در بسیاری از موارد، بازار اسلامی، از ربا و دروغ و فریب‌کاری نخواهد شد، مگر پس از آموزش کامل و مناسب احکام و اعتقادات اسلامی در این زمینه.

امام علی (ع) در توصیه‌ای به قثم بن عباس، نماینده‌ی ایشان در شهر مکه می‌فرماید: «وَاجْلِسْ لَهُمْ أَلْعَ صَرِيْنٍ، فَأَقْتِ الْمُسْتَفْتِيَّ، وَعَلِّمِ الْجَاهِلَ، وَذَاكِرِ الْعَالِمَ. وَلَا يَكُنْ لَكَ إِلَى النَّاسِ سَفِيرٌ إِلَّا لِسَانُكَ، وَلَا حَاجِبٌ إِلَّا وَجْهَكَ»^۲

و پس از نماز ظهر و عصر در میان آن‌ها نشسته و پاسخ کسانی را که از احکام دینی پرسش دارند، بده و به جاهلان تعلیم بفرما و عالمان را مورد تذکر و یادآوری قرار بده و نباید به جز زبانت، هیچ واسطه‌ای میان تو و مردم وجود داشته باشد و می‌باید چهره‌ات را مستقیماً ببینند.

ایشان همچنین در خطبه ۳۴ نهج البلاغه، در خطاب به مردم شام، یکی از وظایف حاکم اسلامی را همین موضوع بیان کرده و می‌فرماید: «أَيُّهَا النَّاسُ! إِنَّ لِي عَلَيْكُمْ حَقًّا، وَلَكُمْ عَلَيَّ حَقٌّ. فَأَمَّا حَقُّكُمْ عَلَيَّ: فَالَّذِي صِيحْتُ لَكُمْ، وَتَوْفِيرُ فَيْتِكُمْ عَلَيَّكُمْ، وَتَعْلِيمُكُمْ كَيْلًا تَجْهَلُوا، وَتَأْدِيبُكُمْ كَيْمًا تَعْلَمُوا»^۳

ای مردم، مرا بر شما و شما بر من حقی واجب شده است. حق شما بر من، آن است که ... شما را آموزش دهم تا بی‌سواد و نادان نباشید، و شما را تربیت کنم تا راه و رسم زندگی را بدانید.

و در کلامی دیگر می‌فرماید: «عَلَى الْإِمَامِ أَنْ يُعْلِمَ أَهْلَ وِلَايَتِهِ حُدُودَ الْإِسْلَامِ وَالْإِيمَانَ»^۴

امام و حاکم اسلامی موظف است معارف اسلامی را به افراد تحت حکومتش آموزش دهد.

^۱ سید رضی، نهج البلاغه، صبحی صالح، نامه ۵۳، ص ۴۳۹

^۲ سید رضی، نهج البلاغه، صبحی صالح، نامه ۶۷، ص ۴۵۷

^۳ سید رضی، نهج البلاغه، صبحی صالح، خطبه ۳۴، ص ۷۹

^۴ عبدالواحد بن محمد تمیمی، غررالحکم و دررالکلم، ص ۴۵۳

۵- توجه خاص به قشر محروم و مستضعف جامعه

یکی از مهم‌ترین وظایف کارگزاران در قبال مردم، توجه ویژه به قشر محروم و مستضعف می‌باشد که خداوند در مورد حق آن‌ها توصیه و سختگیری فراوان نموده است. مولای متقیان علی (ع) در کلامی شورانگیز، نسبت به حقوق این گروه این‌گونه توصیه می‌فرماید:

« سپس خدا را خدا را در خ صوص طبقات پایین و محروم جامعه، که هیچ چاره‌ای ندارند، [و عبارت‌لند] از زمین‌گیران، نیازمندان، گرفتاران و دردمندان. هملنا در این طبقه محروم، گروهی خود شتن‌داری کرده، و گروهی به گدایی دست نیاز برمی‌دارند، پس برای رضای خدا، پاسدار حقی باش که خداوند برای این طبقه معین فرموده است: بخی از بیت‌المال، و بخشی از غله‌های زمین‌های غنیمتی اسلام را در هر شهری به طبقات پایین اختصاص ده، زیرا برای دورترین مسلمانان همانند نزدیک‌ترین آنان سهمی مساوی وجود دارد و تو مسئول رعایت آن می‌باشی. مبادا سرمستی حکومت تو را از رسیدگی به آنان بازدارد، که هرگز انجام کارهای فراوان و مهم، عذری برای ترک مسئولیت‌های کوچک‌تر نخواهد بود. همواره در فکر مشکلات آنان باش، و از آنان روی برمگردان، به‌ویژه امور کسانی را از آنان بی‌شتر رسیدگی کن که از کوچکی به چشمت نمی‌آیند و دیگران آنان را کوچک می‌شمارند و کمتر به تو دسترس دارند. برای این گروه، از افراد مورد اطمینان خود که خداترس و فروتن‌اند، فردی را انتخاب کن تا پیرامونشان تحقیق کرده و مسائل آنان را به تو گزارش کنند. سپس در رفع مشکلاتشان به‌گونه‌ای عمل کن که در پیشگاه خدا عذری داشته باشی، زیرا این گروه در میان رعیت، بی‌شتر از دیگران به عدالت نیازمندند، و حق آنان را به‌گونه‌ای پرداز که در نزد خدا معذور باشی. از یتیمان خردسال، و پیران سالخورده که راه چاره‌ای ندارند و دست نیاز بر نمی‌دارند، پیوسته دلجویی کن که مسئولیتی سنگین بر دوش زمامداران است، اگرچه حق، تماش سنگین است، اما خدا آن را بر مردمی آسان می‌کند که آخرت می‌طلبند، نفس را به شکیبایی وامی‌دارند، و به وعده‌های پروردگار اطمینان دارند. »

پس بخشی از وقت خود را به کسانی اختصاص ده که به تو نیاز دارند، تا شخصاً به امور آنان رسیدگی کنی، ... من از رسول خدا (ص) بارها شنیدم که می‌فرمود: ملتی که حق ناتوانان را از زورمندان، بی‌اضطراب و بهانه‌ای باز نستانند، رستگار نخواهد شد.^۱

۶- برقراری عدالت

وظیفه‌ی کلیدی کارگزاران حکومت اسلامی در قبال مردم محسوب می‌شود، برقراری عدالت است. در همین زمینه، مقام معظم رهبری با استدلال به آیات قرآن و سیره‌ی رسول خدا (ص) و امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید:

«امیرالمؤمنین (علیه‌الصلاة والسلام)، در همان چند سالی که به خلافت و حکومت رسیدند، نشان دادند که اولویت در نظر آن بزرگوار، استقرار عدل الهی و اسلامی است. یعنی عدالت، یعنی تأمین کردن هدفی که قرآن برای ارسال رسل و انزال کتب و شرایع آسمانی، بیان فرموده است: «لِيُقِيمُوا النَّاسَ بِالْقِسْطِ»^۲ اقامه قسط الهی. قسط و عدل با دستوری که اسلام معین کرده، بهترین تضمین و تأمین‌کننده عدالت است. این، در نظر امیرالمؤمنین (علیه‌الصلاة والسلام)، اولویت درجه اول بود. جامعه اسلامی، با عدل و قسط است که قوام پیدا می‌کند و می‌تواند به‌عنوان شاهد و مبشر و هدایتگر و الگو و نمونه، برای ملت‌های عالم مطرح شود. بدون عدل، ممکن نیست. ولو همه ارزش‌های مادی و ظاهری و دنیایی هم فراهم شود، اگر عدالت نباشد، در حقیقت هیچ کاری انجام نشده است. این، آن برجسته‌ترین مسأله در زندگی حکومتی امیرالمؤمنین (علیه‌الصلاة والسلام) بود.

^۱ سید رضی، نهج البلاغه، صبحی صالح، نامه ۵۳، ص ۴۳۸-۴۳۹

^۲ سوره حدید، آیه ۲۵

پیغمبر اکرم (صلوات الله و سلامه علیه) که چنین عذری را به حکومت و ولایت مسلمین منسوب می‌کردند، در حقیقت اهمیت عدل را بیان فرمودند. پیغمبر می‌داند ستند امیرالمؤمنین (علیه‌الصلوة و السلام)، در چه جهتی فکر می‌کنند و حرکت خواهند کرد. آن حضرت دست پرورده پیغمبرند؛ شاگرد پیغمبرند؛ مطیع و عمل‌کننده به فرمان و درس پیغمبرند. پیغمبر با منسوب کردن امیرالمؤمنین (علیه‌الصلوة و السلام)، در حقیقت عدل را در جامعه اسلامی اهمیت بخشیدند و امیرالمؤمنین (علیه‌الصلوة و السلام)، در طول همان چهار سال و نه ماه یا ده ماه حکومت ظاهری که داشتند، بیشترین اهتمامشان بر استقرار عدل در جامعه بود. آن حضرت، عدالت را مایه حیات اسلام و در حقیقت روح مسلمانی و جامعه اسلامی می‌دانستند. و این، آن چیزی است که ملت‌ها به آن نیاز دارند و جوامع بشری در دوره‌های مختلف، از آن محروم بوده‌اند. در آن زمان هم محروم بودند؛ قبل از آن زمان هم محروم بودند؛ امروز هم اگر چه صحنه عالم و کاری که ابرقدرت‌ها می‌کنند و روش حکومتی که حکام مادی در دنیا عمل می‌کنند نگاه کنید، باز هم می‌بینید مشکل همین است. مشکل بشریت، در حقیقت فقدان عدالت و اسلام و حکومت علوی و روش و منهج امیرالمؤمنین (علیه‌الصلوة و السلام) است»^۱

شاخص‌های کارگزاران:

در این مختصر و فراخور مقاله بر برخی از اصول اجتماعی سیاسی حاکم بر رفتار کارگزاران در فقه اهل‌البیت (ع) می‌پردازیم.

۱- عقلانیت و تدبیر

کارگزاران جامعه اسلامی باید از میان خردمندان باهوش و با ذکاوت بکار گمارده شوند تا در تدبیر سیاسی - اجتماعی - اقتصادی و ... توانمند باشند و بکارگیری افراد کم‌خرد و فاقد طرح و برنامه و بی‌کفایت جامعه را به تکامل نمی‌رساند و بحران‌های ناشی از عملکرد نامطلوب، بر پیکر انسان‌ها تحمیل می‌نماید.

النبی «ص» می‌فرماید: «أَعَاذُكَ اللَّهُ، مِنْ إِمَارَةِ السُّفَهَاءِ ...»^۲

پیامبر «ص» می‌فرماید: خداوند تو را از شر زمامدار شدن سفیهان و کم‌خردان نگاه دارد!

۲- امانت‌دار دین محور

در سیاست اسلامی، دولت و مدیریت جامعه یک امانت بزرگ محسوب می‌شود که هر کسی نمی‌تواند این امانت را به دوش بکشد، مگر کسانی که مسند قدرت را به چشم امانت نگاه کنند. در تربیت سیاسی کارگزاران باید خصیصه امانت‌داری را در آن‌ها ایجاد و تقویت کرد آنچه امروز موجب مشکلات گوناگون در جوامع اسلامی شده این است که برخی از کارگزاران حکومتی افرادی دلسوز، خیرخواه و امین و دین‌محور نیستند.

الامام علی «ع» می‌فرماید - «فِيمَا كَتَبَهُ لِعَمَالِ الصَّدَقَاتِ وَ جِبَاءِ أَمْوَالِ الْعَامَّةِ: وَ لَا تَأْمَنَنَّ عَلَيْهَا إِلَّا مَنْ تَثَقَّ بِدِينِهِ ... وَ لَا تُؤَكَّلْ بِهَا إِلَّا نَاصِحًا وَ أَمِينًا حَفِظًا ...»^۳

امام علی «ع» می‌فرماید - در بخش‌نامه‌ای، درباره‌ی مأموران مالیات و اموال عمومی: جمع‌آوری اموال عمومی را به کسی بسپار که به دین‌داری او مطمئن باشی، کسی که نسبت به اموال مسلمانان دلسوز باشد، و خیرخواه و امین و نگهبان ...

۳- صاحبان علم و سیاست

"کارگزار نظام اسلامی باید از بصیرت سیاسی و اجتماعی برخوردار باشد تا بتواند در بحران‌ها و رخدادهای فرهنگی - سیاسی - اقتصادی و مسائل پیچیده اجتماعی که هر روز در حال تحول و دگرگونی و تغییرات تصمیمی آگاهانه و با بصیرت

^۱ بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با کارگزاران نظام مورخه ۱۳۷۱/۳/۳۰

^۲ مستدرک الوسائل ۱۳/۱۲۷

^۳ نهج البلاغه، ۸۸۰-۸۸۱، عده ۲۸/۳

روشن است کسی که قدرت درک مسائل سیاسی، اجتماعی و تحلیلی ارزیابی در ست آنها را ندارد نمی‌تواند در کوراند حوادث، جامعه و امت خویش را پیروزمندانه نجات دهد؛ بلکه طعمه‌ای برای دشمنان و آلت دستی برای اطرافیانش خواهد بود.^۱

حدیث زیر که از رسول گرامی اسلام نقل شده اشاره به همین معنا است: "مَنْ عَمِلَ عَلَيَّ غَيْرِ عِلْمٍ كَانَ مَا يَفْسِدُ أَكْثَرَ مِمَّا يُصْلِحُهُ."^۲

«کسی که بدون علم و آگاهی دست به کاری بزند فساد می‌آورد بیشتر از اصلاح آن است.» امام صادق (ع) درباره کسی که بدون بصیرت کاری را انجام می‌دهد چنین می‌فرماید: "الْعَامِلُ عَلَيَّ غَيْرَ بَصِيرَةٍ كَالسَّائِرِ عَلَيَّ غَيْرِ الطَّرِيقِ لَا تَزِيدُهُ سُرْعَةً إِلَّا سَبِيْرًا بَعْدًا." آن کس که بدون بصیرت و آگاهی کاری را انجام می‌دهد، بسان کسی است که در بیراهه به سرعت می‌رود، این کار نتیجه‌ای جز اینکه پیوسته از مقصد دور شود، ندارد.^۳

امام علی (علیه‌السلام) در انتخاب کارگزاران حکومت به مهارت، ادراکی و تشخیص و تجزیه و تحلیل مسائل آنان توجه کامل داشت و کارگزاران را برمی‌گزید که در بحران‌های پیش آمده خود راه‌حل مناسب را بیابند. لذا در معرفی مالک اشتر به دیگر فرماندهان نظامی به مهارت ادراکی و تشخیص و تجربه و تحلیل مسائل توسط مالک اشتر، اشاره می‌فرماید: "من مالک اشتر پسر حارث را بر شما و سپاه‌یانی که تحت امر شما هستند فرماندهی دادم، گفته او را بشنوید و از فرمان او اطاعت کنید او را مانند زره و سپر نگهبان خود برگزینید زیرا که مالک نه سستی به خرج داده و نه دچار لغزش می‌شود، نه در آنجایی که شتاب لازم است کندی دارد و نه آنجا که کندی پسندیده است، شتاب می‌گیرد."^۴

کارگزار در انتخاب راهکار مناسب موظف است از بین انبوه راهکارهای ارائه شده جهت حل مسئله یکی را انتخاب کند، اما اینکه با چه ملاکی دست به چنین انتخابی بزند به عوامل متعددی بستگی دارد. در این مرحله امام علی (علیه‌السلام) خطاب به مالک به بیان معیار جهت انتخاب یک گزینه پرداخته‌اند و با توجه به نظام ارزشی اسلام که مبتنی بر خدا محوری و حق‌طلبی است می‌فرماید که باید توجه مدیر به حق محوری و حق‌مداری باشد و در نامه‌ای خطاب به مالک اشاره می‌کند "که باید توجه تو به گسترش عدالت و حق‌مداری باشد."^۵

در خطبه‌ای امام علی (ع) می‌فرماید:

"به خدا سوگند! از آگاهی لازمی برخوردارم و هرگز غافلگیر نمی‌شوم، که دشمنان ناگهان مرا محاصره کنند و با نیرنگ دستگیر نمایند، من همواره با یاری انسان حق‌طلب، بر سر آن می‌کوبم که از حق رویگردان است، و با یاری فرمانبر مطیع، نافرمان اهل تردید را درهم می‌کوبم، تا آن روز که دوران زندگانی من بسر آید. پس، سوگند به خدا، من همواره از حق خویش محروم ماندم، و از هنگام وفات پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) تا امروز حق مرا از من بازداشتند و به دیگری اختصاص دادند."^۶

مولای متقیان خطاب به مالک در امور حکومت، به مشورت با دانایان با بصیرت اشاره می‌کند و می‌فرماید:

۱ - ابراهیم‌زاده، ۱۳۹۰، ص ۱۳۲

۲ - کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۴۴

۳ - همان

۴ - نهج‌البلاغه، نامه ۵۳

۵ - همان

۶ - نهج‌البلاغه، خطبه ۶

" و درباره استوار ساختن آنچه کار شهرهای تو را منظم می‌گرداند و بر پا داشتن آنچه مردم پیش از تو برپا داشته بودند، بسیار با دانشمندان مذاکره و با راستگویان و درست‌کرداران گفتگو کن.^۱

الامام علی «ع» می‌فرماید: «فَاصْطَفِ لَوْلَايَةَ أَعْمَالِكَ أَهْلًا ... وَالْعِلْمِ وَالسِّيَاسَةِ»^۲
برای سرپرستی کارهای خود (در حکومت) ... دانایان و سیاست دانان را برگزین.

۴- بلند همتی

قدرت و منزلت انسان به اندازه همت اوست و در حقیقت، حیات و پویایی بشر، به همت، پشتکار و تلاش مستمر وی بستگی دارد.

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید:

"ارزش و منزلت انسان به مقدار همت اوست."^۳

"اصولاً انسان فاقد همت، بی‌ارزش و مهمل به شمار می‌آید، چنین فردی، در نگاه علی علیه السلام، حتی لیاقت دوستی و برقراری ارتباط صمیمی را نیز ندارد، زیرا چه بسا رفتارهای تردیدآمیز وی و سهل‌انگاری و عدم پشت‌کارش، تأثیر منفی بر رفتار و منش دوست خویش بگذارد و وی را همچون خویش، به وجودی سست اراده و بی‌ارزش تبدیل سازد."^۴
حضرت در بیان نورانی خویش، چنین می‌فرماید:

"با فردی که همتی پست و کوتاه دارد، مصاحبت و دوستی نداشته باش."^۵

به راستی اگر آدمی در زندگی، از همتی والا و عزم و اراده‌ای استوار برخوردار باشد، هیچگاه در بحران‌ها و مشکلات روزمره، خود را نمی‌بازد و خویشتن را در بن‌بست احساس نمی‌کند.

کم همتی و سست ارادگی، برای به پلیمان بردن طرح‌ها، و یا فعالیت‌های جاری، موجب ناکام ملندن و بی‌توفیقی کارمند می‌گردد. از این رو، حضرت علی در سخنانی تشویق‌آمیز برای حضور یارانش در جهاد، خطاب به آنان، می‌فرماید: "کمربندها را محکم کنید و دامن‌ها را به کمر زنید"^۶ کنایه از آنکه اقدام دشوار، نیازمند همت عالی است.

"در حقیقت، گوهر ارزشمند همت و پشتکار، از انسان، فردی با انگیزه و بلند نظر ساخته و افق دید وی را در برابر مسائل و رخدادها وسیع‌تر می‌کند و به اهدافش می‌رساند.

۱۴- احیاءکننده سنت‌ها و میراننده بدعت‌ها

کارگزار نظام اسلام مکلف است که احیاءکننده سنت‌های الهی و اهل‌البیت علیهم‌السلام باشد و بدعت‌های ناروا و بی‌اساس که اصالت‌ها و ارزش‌های دینی را به استهزاء می‌کشند و عامل هت‌دین و موجبات تخریب شریعت و انحراف از میراث گران‌بهای معصومین علیهم‌السلام گردیده را از بین ببرد. آل رسول‌الله با کمال امانتداری، همه میراث تربیت و هدایت پیامبر (ص) را (خود) فراگرفته و در عمل برای نسل‌های امت حفظ نموده، و به آنان نشان داده و بیاموزند. و این تعبیر چه زیباست که در (زیارت امین‌الله) در شأن امیرمؤمنان علیه السلام آمده است «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ»

"آگاهان از (اسرار الاعمال) به خوبی می‌دانند که صورت ظاهری اعمال و جزئیات ادای عمل، در تحقق صورت باطنی و تأثیر

۱ - همان، خطبه ۵۳

۲ - تمام نهج البلاغه، ۹۲۹

۳ - نهج البلاغه، حکمت ۴۴

۴ - عطاران طوسی، ۱۳۹۲ش، ص ۳۶

۵ - آمدی، ۱۴۰۷ق، ج ۵ ص ۴۴۳

۶ - نهج البلاغه، خطبه ۲۱۱

کلی دارد و آنچه ابدی است و برای انسان، در همواره‌های جاودان می‌ماند، و مایهٔ سعادت و سرخوشی ابدی انسان می‌شود، صورت باطنی و کمال اعمال است که فقط بوسیلهٔ گفتار و سیرهٔ عملی معصوم^۱ تعلیم داده می‌شود و اسرار اعمال در واقع، اسرار الله است، در ملکوت کائنات.^۱

الف- الامام علی «ع» می‌فرماید: «... وَلَا تُنْقِضُ سُنَّةَ صَالِحَةٍ عَمَلٍ بِهَا صُدُورُ هَذِهِ الْأُمَّةِ، وَاجْتَمَعَتْ بِهَا الْأَلْفَةُ، وَصَلَحَتْ عَلَيْهَا الرَّعِيَّةُ؛ وَلَا تُحْدِثَنَّ سُنَّةً تَضُرُّ بِشَيْءٍ مِنْ مَاضِي تِلْكَ السُّنَنِ...»^۲

امام علی «ع» می‌فرماید: ... هر سنت (و روش) خوبی که مردم صدر اسلام به آن عمل کرده‌اند، از بین نبرد، یعنی: سنت‌هایی که موجب الفت مردم گشته، و جامعه‌ی اسلامی را سامان بخشیده است. همچنین سنتی (و بدعتی) پدید نیاید، که عظمت گذشته‌ی این امت را مخدوش سازد.

ب- الامام علی «ع» می‌فرماید: «صَلَّى بِنَا عَلِيٍّ يَوْمَ الْجَمَلِ، صَلَاةً ذَكَرْنَا صَلَاةَ رَسُولِ اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ»^۳
امام علی «ع» می‌فرماید: عمران بن ح - صین می‌گوید: «علی در جنگ جمل، نماز جماعت خواند (نمازی مانند نماز پیامبر)، چنانکه ما را به یاد نماز پیامبر (ص) انداخت.

ج- الامام علی «ع» می‌فرماید: «... فَأَعْلَمُ أَنَّ أَفْضَلَ عِبَادَةِ اللَّهِ عِنْدَ اللَّهِ إِمَامٌ عَادِلٌ، هُدَى وَهَدَى، فَأَقَامَ سُنَّةَ مَعْلُومَةٍ، وَأَمَاتَ بِدَعَاً مَجْهُولَةً، وَإِنَّ السُّنَنَ لَكَثِيرَةً، لَهَا أَعْلَامٌ، وَإِنَّ الْبِدْعَ لظَاهِرَةٌ، لَهَا أَعْلَامٌ ...»^۴

امام علی «ع» می‌فرماید: باید بدانی که بهترین مردم، در نزد خداوند، پید شوای دادگری است که خود هدایت یافته باشد و دیگران را هدایت کند، یعنی سنت‌های نهادینه را برپای دارد، و بدعت‌های ناشناخته را براندازد، سنت‌ها روشن‌اند، و نشانه‌های خود را دارند، بدعت‌ها نیز آشکار می‌شوند و نشانه‌های خود را دارند.

نتیجه‌گیری:

حکومت مورد نظر امام علی^۷ از سه شاخص مهم «دینداری»، «عدالت» و «مردمداری» برخوردار است. تحقق عینی و عملی این شاخصه‌ها در جامعه، به وجود زمامداران و کارگزاران صالح و شایسته بستگی دارد. اگر رهبر و پیشوای جامعه در صراط حق بود و بر معیارهای دینی رفتار کرد، یعنی مبانی نظری و فعل سیاسی او منطبق با اصول شریعت و احکام دین بود، و کارگزاران او در مسؤولیت‌های گوناگون از صلاحیت اعتقادی و عملی لازم و رفتار شایسته با مردم برخوردار بودند، و مردم نیز با نصایح و ارشادات او، به وظایف و تکالیف خود در برابر زمامداران و مدیران رفتار نمودند، سلامت جامعه در یک توازن اجتماعی و هماهنگی ارکان مختلف، تأمین خواهد شد.

از آنجا که امام علی^۷ به عدللت اجتماعی در حکومت اهتمام جدی داشت، یکی از راهکارهای عملی تحقق آن راه، گزینش کارگزاران و مدیران شایسته در امور می‌دانست.

علاوه بر صلاحیت و شایستگی زمامدار و پیشوای اصلی جامعه، کارگزاران و عاملان او در مناصب گوناگون نیز باید از شایستگی لازم برخوردار باشند.

او علاوه بر اینکه در انتخاب کارگزاران از جنبه صلاحیتی و مدیریتی حساسیت نشان می‌داد، نظارت خاصی را نیز بر اعمال آنها، در زمانی که متصدی امور بودند، به کار می‌برد. به تخلفات آنها به سرعت رسیدگی می‌نمود و ایشان را نسبت به عملکرد نادرست بازخواست، سرزنش و توبیخ می‌کرد. قبل از اعزام والیان به شهرها، درباره چگونگی رفتار و سلوک آنها با

۱ - حکیمی، ۱۳۹۵، ج ۹، ص ۲۴۷

۲ نهج البلاغه، ۱۰۰۱

۳ احقاق الحق، ۶۰۳/۸؛ ۱۴۷/۳۱

۴ نهج البلاغه، ۵۲۶

مردم و مشی‌والی‌گری، سفارش‌ها و توصیه‌های لازم را به ایشان می‌نمود و در نامه‌هایی که به عاملان خود می‌نگاشت آیین مدیریت اسلامی را برای آنها تبیین می‌کرد.

نمونه مفصل این دستورالعمل در نامه پنجاه و سوم نهج‌البلاغه معروف به «عهدنامه مالک اشتر» آمده که منشوری است از شیوه حکومت‌داری امیرالمؤمنین^۷ و روح این فرمان بر اساس «عدالت اسلامی» قرار دارد. بیش از سی نامه از هفتاد و نه نامه حضرت امیر در نهج‌البلاغه به کارگزارانی نوشته شده که از جانب او در شهرهای مختلف به کار گماشته شده بودند، از قبیل فرمانداران، مرزداران، فرماندهان سپاه، مأموران خراج و زکات و سایر کارگزاران.

با ملاحظه متن نامه‌ها، به خوبی می‌توان دریافت که ایشان چگونه به امور مردم و امنیت آنها اهتمام داشته و از اینکه عاملان او در حوزه اختیار خود مرتکب خطا و انحراف شوند نگرانی داشته است. زیرا از نظر وی، "بزرگترین خیانت، خیانت به امت است"^۱ و همت آن امام بر آن بود تا مردم در حکومت او از ناحیه کارگزاران و مسؤولان امور در امنیت به سر ببرند.

تمرکز، تدبیر و درایت‌های حکومت نبوی و علوی که در انتخاب کارگزاران و سپس نظارت بر عملکرد آنان به خرج می‌دادند، حاکی از آن است که اعطای مسئولیت به افراد نالایق و یا واگذاری آنان - حتی صالح و متعهد - به حال خود و عدم نظارت بر آنان، نتیجه‌ای جز فروپاشی و زوال تدریجی حکومت را در پی نخواهد داشت اگر، حضرت علی^۷ در برابر بی‌عدالتی‌ها، جاه‌طلبی‌ها، ثروت‌اندوزی‌ها و ستمکاری‌های بعضی از کارگزاران خود عکس‌العمل شدید نشان می‌دهد، به خاطر آن است که می‌داند بی‌توجهی به این مسائل، برافروختن آتش است که در درجه اول دامن خود کارگزاران و در نهایت حکومت را فرا خواهد گرفت. پس باید نتیجه گرفت که رفتار و عملکرد کارگزاران، تأثیر مستقیمی بر ثبات نظام‌های سیاسی دارد.

مسئله رعایت تقوا و ترس از خدا و توجه به آخرت، در تمامی نامه‌ها و عهدنامه‌های امام علی^۷ به کارگزاران ملاحظه می‌شود. دقت آن حضرت^۷ در رعایت حال مردم و حفظ شخصیت آنان و پرهیز از زورگویی و تهدیدشان به این سبک در سایر رهبران دیده نمی‌شود. در اندیشه سیاسی حضرت علی^۷ کسانی که از امکانات و اموال و اختیارات حکومتی بهره‌مند می‌شوند، باید صفات و ویژگی‌هایی داشته باشند که بتوانند تکلیف خود را به درستی انجام دهند، چرا که در غیر این صورت به تباهی امور و سقوط حکومت منجر می‌شود. امام علی^۷ در عزل و نصب‌های خود هیچ‌گاه مسئله رفاقت و خویشاوندی را مدنظر قرار نمی‌دادند و روش ستمداران دنیاپرست را که تنها در راستای بقای حکومت خود عمل می‌کردند، ندا شتند، بلکه تنها به رضای خدا می‌اندیشیدند و مصلحت مردم را در نظر داشتند. در اندیشه سیاسی آن حضرت^۷، هیچ خطری برای جامعه اسلامی بیشتر از خطر بر سر کار آمدن افراد فاقد اهلیت و کم‌صلاحیت نیست. حضرت علی^۷ بیم داشتند که افراد ناصالح و نالایق زمام امور مملکت را به دست گیرند و جامعه را به سمت اضمحلال بکشانند.

اگر مجموعه شاخص‌ها و بایستگی‌هایی که حضرت^۷ در مورد کارگزاران خود بر آنها تأکید کرده‌اند، در حکومتی مجتمع باشد و از طرفی نظارت مستمر جهت تداوم حسن سلوک و تعامل مطلوب با مردم حاکم باشد، یقیناً می‌توان به اقامه عدل و قسط در جامعه امیدوار بود. بدیهی است که تنها در این صورت است که مردم به این‌گونه نظام‌ها روی می‌آورند و تداوم آن را می‌خواهند آنچه در فقه اهل‌البیت^۲ پیرامون کارگزاران حکومتی قابل استنباط و استخراج است به عبارت آتی‌الذکر می‌باشد.

۱- از اصول مهم اندیشه اهل‌البیت (ع) برای ایجاد حکومت عادلانه جهت انتظام امور مردم و توازن اجتماعی است.
۲- حاکمیت مورد نظر اهل‌البیت (ع) بر اساس ارزش‌های اسلامی بوده که عمده‌ترین شاخص این حکومت خردمندی، دینداری و عدالت‌خواهی کارگزاران است.

۳- استمرار، ثبات و تداوم حکومت مطلوب اهل‌البیت (ع) علاوه بر مبانی معرفتی و نظری و قانون جامع و مانع و شامل و کامل به وجود کارگزاران صالح، امانتدار، حق‌گرا، با صداقت و اخلاص، خیرخواه، فروتن، صبور و بردبار، دارای شرح صدر،

سخاوتمند و شجاع، ضابطه‌مند، ساده زیستی و دوری از تجملات و پرهیز از زندگی اشرافی‌گری، منظم و کارآمد و... نیازمند است.

۴- اهل‌البیت (ع) در برنامه خود، کارگزاران خود را بر اساس لیاقت و ظرفیت و شایسته‌سالاری و برابر ضوابط و معیارهای اسلامی و انسانی و صلاحیت‌های مقتضی با جایگاه حکومتی برمی‌گزیدند.

۵- اهل‌البیت (ع) برای رعایت عدالت و حسن اجرای تکالیف، بر عملکرد و رفتار کارگزاران نظارت و مراقبت شدید اعمال می‌نمودند و با احساس و رؤیت انحراف و تخلف و سستی از سوی کارگزاران، آنان را هدایت و ارشاد، سرزنش، مواخذه و یا عزل آنان اقدام می‌نمودند.

۶- انجام مطلوب تکالیف کارگزاران در واقع به منظور سالم سازی فضای عمومی جامعه و برقراری آرامش و امنیت در میان مردم و افزایش اعتماد و اطمینان مردم به نظام اسلامی است.

۷- تکالیف کارگزاران آنگاه به نحو احسن عملی خواهد شد که حاکمان و مدیران ارشد نظام اسلامی با شیوه‌ی گوناگون زمینه انحراف را از بین ببرند و این مهم انجام نمی‌شود مگر با نظارت دقیق و اجتناب از هر گونه ممانعت، ممانعت، ممانعت، ممانعت و احتیاطات بی‌جهت باشد.

۸- کارگزاران کارآمد و تکلیف‌گرا و وظیفه‌شناس و مسئولیت‌پذیر در نگاه اهل‌البیت (ع) باید در مقابل شهوات، پول، قدرت و شهرت، و... توان ایستادگی داشته باشند و دست و پا و دل آنها در بحران حوادث و آزمایش نلغزد و دچار وسوسه نگردد.

۹- دنیای اسلام با نگاهی ژرف به نظام اسلامی مبتنی بر فقه اهل‌البیت (ع) تمامی تحولات را رصد و نظاره‌گر عملکرد کارگزاران نظام دینی است که چگونه، ساماندهی و سازماندهی حکومت بر مردم را ترسیم نموده‌اند و آیا این روند حاکمیتی در عرصه‌ی مختلف داخلی و بین‌المللی موفق بوده یا خیر، تا بتواند برای امت اسلامی الگوپردازی نماید.

۱۰- کارگزاران باید بینش اسلامی اجتماعی بالایی داشته باشند به گونه‌ای که بتوانند شرایط منطقه و جهان اسلام را تحلیل کنند نه اینکه مسائل را صرفاً از طریق مطبوعات تحلیل کنند باید رأساً قوای فکری داشته باشند تا معادلات را بشناسند

۱۱- کارگزار در مسئولیت و اگذار شده باید تخصص داشته باشد و با قدرت مدیریت و رهبری مجموعه را هدایت نماید و به تحول و حرکت رهنمون سازد.

۱۲- نظارت و بازرسی باید از طریق بازرسان آشکار مخفی و پنهان چه اینکه به طور رسمی کارمند سازمان بازرسی و نظارت باشند و یا اینکه معمولی باشد اما در عین حال به طور مخفی کار نظارت و بازرسی را نیز انجام دهند و نظارت فراگیر مردمی انجام پذیرد.

۱۳- بازرسی و نظارت صادقانه و دقیق به مسئولان ذیربط امکان می‌دهد که نقاط ضعف و قوت نیروها و دستگاه‌های گوناگون نظام را به نیکی شناسایی کنند و با اقدامات مناسب در کاهش ضعف‌ها و افزایش جنبه‌های مثبت بکوشند، آنچه در تاریخ حکومت ۵ ساله حضرت امیرالمؤمنین (ع) به دست می‌آید گویای آن است که امام از معدود رهبران نیز که با دریافت گزارش‌ها و اطلاعات با جدیت و سرعت به تحلیل آنها می‌پرداخت و پس از اطمینان از صحت و سقم قضایا بی‌درنگ نتیجه‌گیری می‌کرد و اقدام می‌نمود.

۱۴- برنامه‌های اصلاحی امام علی (ع) در دوره زمامداری در واقع ارائه یک الگوی جامع مدیریتی در اداره حکومت اسلامی می‌باشد.

۱۵- کارگزاران حکومت در جریان امور گاه با آسیب‌ها و خطاهایی مواجه می‌شوند که یا از ناحیه شخص کارگزار و گاه از ناحیه مدیران فرودست شکل می‌گیرد. نشانه‌های این خطاهای آسیب‌زا عبارتند از بی‌توجهی به نظرات دانشمندان، تفسیر به رأی قانون و اصول، پافشاری ناروا با تصمیمات نادرست و پایبندی به سنت‌های جاهلی زورمداری، تبعیض، عدم رعایت

انصاف در ایفای وظایف، تضعیف عقل‌گرایی، منفعت‌جویی شخصی و جناحی در گزینش همکاران و ترجیح آنها.

۱۶- عوامل مؤثر در بروز آسیب‌های کارگزاران حکومت علاوه بر آن شکلی که بیان شد از عوامل گوناگونی می‌توان یاد کرد که عبارت است از ناآگاهی نسبت به مبانی قوانین و ضوابط، دنیا دوستی، ضعف ایمان، ضعف شخصیت لغزش در تشخیص و ایفای وظایف تضعیف و تخریب شخصیت مخالفان، ناکارآمد شدن در تدبیر امور، فاصله گرفتن از خیرخواهی و خیرخواهان، تضییع حقوق دیگران.

۱۷- با عنایت به روش‌های پیش‌گیری از خصلت‌های سلبی کارگزاران، افزون بر آنچه گفته شد عبارت است از سفارش مدام کارگزار به حق‌گرایی، قانون‌مداری، مدارا و عدالت‌گرایی و اصلاح دیدگاه کارگزار نسبت به جایگاه حکومتی، زیرا در نظام اسلامی کارگزار خادم مردم است.

۱۸- اهل‌بیت^ب به شایستگی‌های اخلاقی، اجتماعی کارگزاران اعتناء به سزایی داشته‌اند و مداومت به ایجاد و ارتباط و رفتار با دیگران سفارش‌هایی نموده‌اند مانند رفق و مدارا، عفو و گذشت، ارتباط مستقیم با مردم، عمل به نفع عموم، و از آنجایی که قدرت و حکومت آفت‌هایی دارد بنحوی از آفت‌های اخلاقی کارگزاران مانند خیلنت، تکبر، خودپسندی، حرص و طمع، اجحاف، رشوه و ... مرتباً به وسیله نامه‌ها خطبه‌ها توصیه‌ها کارگزاران را بر حذر می‌داشتند.

۱۹- امام علی^ع در دوران بسیار کوتاه زمامداری آثاری زیبا و آموزنده از خود بر جای نهاد از جمله آن روش حکومتی ایشان به آرمان بشری تبدیل شد از آثار جاودانه آن حضرت می‌توان به عهدنامه مالک اشتر نخعی اشاره کرد که مسئول کامل از شیوه نظام اسلامی و رفتار کارگزاران با مردم و حقوق متقابل ایشان است.

۲۰- گسترش ارزش‌های اسلامی در جامعه برای ایجاد تمدن‌سازی اسلامی با اصلاح سبک زندگی، رفتار، تعاملات، مدیریت و ... کارگزاران امکان می‌یابد تمام کسانی که در نظام اسلامی تکالیفی به آنان به عنوان امانت واگذار می‌گردد و دل در گرو اسلام و پیشرفت جامعه اسلامی و تمدن‌سازی دارند باید به سیره و سنت اهل‌البیت^ب عمل نمایند تا زمینه ظهور حکومت عدل الهی را فراهم کرد کارگزاران با این رویکرد، خود را با شرایط حکومت جهانی حضرت مهدی^ع عجل الله تعالی فرجه الشریف وفق خواهند داد.

۱. قرآن کریم
۲. دشتی، محمد، ۱۳۸۰ هـ ش، ترجمه نهج البلاغه، ناشر: مشهور، قم
۳. صالح، صبحی، ۱۳۹۵ هـ ق، شرح نهج البلاغه، ناشر: مرکز البحوث الاسلامیه، قم
۴. فیض الاسلام، علینقی، ۱۳۶۶ ش، ترجمه و شرح نهج البلاغه، انتشارات فیض الاسلام، تهران.
۵. ابراهیم زاده، عبدالله، ۱۳۹۰ ق، حاکمیت دینی، انتشارات زمزم، قم.
۶. آمدی التمیمی، عبدالواحدین محمد، ۱۴۰۷ ق، عزرا الحکم و دررالکلم، ناشر: موسسه الاعلمی للمطلوبات، بیروت
۷. بیانات مقام معظم رهبری حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای، در دیدار با کارگزاران نظام، مورخه ۱۳۷۱/۳/۳۰
۸. حرانی، حسن بن علی بن شعبه، تحف العقول عن آل الرسول، ناشر: موسسه الاعلمی للمطلوبات بیروت
۹. حکیمی، محمدرضا و علی، ۱۳۶۰ ش، الحیاه، ناشر: انتشارات اسلامی، قم
۱۰. دلشاد تهرانی، مصطفی، ۱۳۷۹ ش، دولت آفتاب اندیشه سیاسی و سیره حکومتی امام علی (ع)، انتشارات دریا، تهران.
۱۱. شوشتری، قاضی نوراله، احقاق الحق و ازهاق الباطل، ناشر: المکتبه الاسلامیه، تهران
۱۲. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۴۰۶ ق، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ناشر: ناصر خسرو، تهران
۱۳. طوسی، ابوجعفر محمد بن الحسن، ۱۳۸۳ ق، تلخیص الشافی، ناشر: مطبعه الاداب، نجف اشرف
۱۴. عبده محمد، ۱۳۲۳ ق، شرح نهج البلاغه، ناشر: دارالمعرفه، بیروت
۱۵. عطاران طوسی، علی اصغر، ۱۳۹۲ ش، نقش و حقوق کارکنان در سازمان‌ها از دیدگاه امام علی (ع)، دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم.
۱۶. فیض کاشانی، محمد محسن، ۱۴۰۴ ق، الوافی، ناشر: کتابخانه مرعشی نجفی، قم
۱۷. قمی (شیخ صدوق)، محمد بن علی بن بابویه، ۱۳۶۱ ش، معافی الاخبار، ناشر: انتشارات اسلامی، قم
۱۸. قمی (شیخ صدوق)، محمد بن علی بن بابویه، ۱۴۱۳ ق، من لا یحضره الفقیه، ناشر: دفتر انتشارات اسلامی، قم
۱۹. قمی، عباس، ۱۴۱۴ ق، سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثار، ناشر: اسوه، قم
۲۰. لنکرانی، محمد، ۱۳۷۶ هـ ش، آئین کشورداری از دیدگاه امام علی (ع)، دفتر نشر و فرهنگ اسلامی، تهران.
۲۱. مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۴ ق، بحار الانوار لدرر اخبار الائمه الاطهار، ناشر: مؤسسه الوفاء، بیروت
۲۲. موسوی، سید عباس، تمام نهج البلاغه، خطبه ۱۴
۲۳. میرتاج‌الدینی، محمدرضا، ۱۳۷۶ ش، اخلاق کارگزاران حکومت از دیدگاه اسلام، سازمان تبلیغات اسلامی، تهران.
۲۴. نوری، حسین بن محمدتقی، ۱۴۰۸ ق، مستدرک الوسائل، ناشر: موسسه آل‌البیت (ع) بیروت